

متن پیاده سازی شده جلسه هفتم سال سوم درس خارج اصول مباحث قطع و ظن - 11 اسفند 1387

بسم الله الرحمن الرحيم

مستحضرید که بحث در دلالت عقل بر اعتبار خبر واحد بود؛ عرض کردیم ما چون دلالت قرآن را بر اعتبار خبر واحد نپذیرفتیم همچنین دلالت بناء عقلا و اجماع را هم نپذیرفتیم از این رو اگر دلالت درک عقل را بپذیریم به دلیل محکمی تمسک کرده ایم. در مورد اخبار، گرچه ما دلالت اخبار را در گذشته پذیرفتیم اما دلالت اخبار هم خالی از دغدغه نیست چرا که ممکن است در اخبار خدشه وارد بشود به عنوان نمونه در روایات آمده بود که خبر ثقه را اخذ کن یا آمده بود ا فیونس ابن عبدالرحمن ثقة و... برخی اشکال کرده اند وقتی از امام علیه السلام سوال می کنند آیا از یونس بن عبد الرحمن دینم را بگیرم یا نه؟ در واقع یونس در معرض تهمت بوده و راوی شک داشته که آیا می شود از چنین آدمی اخذ مذهب کرد یا نه؟ امام علیه السلام هم می فرمایند اشکالی ندارد اخذ مطلب کن این منافاتی ندارد به اینکه شرایط دیگری هم لازم باشد مانند عدالت، شیعه بودن و... در کلمات یکی از معاصرین آمده است اگر کسی از مجتهدش سوال کند که آیا فلانی عادل است به او اقتدا کنم یا نه؟ مجتهد هم می گوید عادل است اقتدا کن؛ این کلام مجتهد نافی شرطیت ذکوریت، سالم بودن و... در امام جماعت نیست. در روایات هم محل بحث و وثاقت بوده نه شرایط دیگر و لذا نمی شود از روایات استفاده کرد که صرف ثقه بودن کافی است.

در مورد بنو فضال امام عسکری علیه السلام می فرمایند: خذوا ما رووا و ذروا ما رأوا ... یعنی بنو فضال روایاتشان را اخذ نکنید اما اعتقاداتشان را نگیرید. اگر کسی بخواهد از این روایت استفاده کند که هر غیر امامی را می شود روایاتش را اخذ کرد این کار صحیح نیست چرا که اولاً: شاید بنی فضال خصوصیت داشتند مثلاً در نهایت وثوق بوده اند یا مثلاً (چنانچه برخی از اهل رجال گفته اند) گفته شده فطحیه وضعیتش با واقفیه فرق می کند؛ فطحیه برای 70 روز قائل شدند به امامت عبدالله بن افضح بعد هم عبدالله فوت می کند و بعد به امامت ائمه علیهم السلام بر می گردند از عبدالله بن افضح روایتی هم ذکر نمی کنند فقهبان هم مثل ماست و 12 امام را هم قبول کرده اند اینها خیلی با واقفیه فرق دارند که امامت حضرت رضا علیه السلام به بعد را نپذیرفته اند مدرسه دارند روایات دارند و...

استاد: ما همه اینها را قابل جواب می دانیم و اگر توجه داشته باشید قبلاً از این اشکال ها پاسخ داده ایم مثلاً گفتیم در اخذ روایت ما به دنبال تناسبات حکم و موضوع هستیم و لذا آن قدر که صداقت راوی مهم است مذهب راوی برای ما مهم نیست؛ ما نمی پرسیم که راوی نماز صبح می خواند یا نه؟ بلکه از صداقت او پرسش می کنیم.

استاد: ما معتقدیم که عقل نسبت به اثبات حجیت خبر واحد عاجز نیست منتهی به شرطی که به عقل درست گزارش دهیم؛ ما به عقل می گوییم خدای تعالی شریعتی دارد و راه ما به این احکام هم راه آسانی نیست بلکه به بسیاری از احکام ما راه نداریم یکی از راههای امن، که شارع مقدس به آن اعتماد کرده است روایات است؛ ضمناً روایات صحیح و سقیم داریم که از امام رضا علیه السلام به بعد ائمه علیهم السلام آمده اند و روایات را پالایش کرده اند.

عقل پاسخ می دهد: اگر راه بهتر و مطمئن تر از عمل به خبر واحد دارید به آن عمل کنید. مثلاً در جایی که می توانید از خود امام معصوم علیه السلام بپرسید به سراغ خبر واحد نروید. اما اگر ما به عقل بگوییم راه مطمئن تر وجود ندارد و دسترسی به امام علیه السلام نداریم و... عقل می گوید در این صورت به خبر واحد عمل کنید.

بیان دو اشکال

1: مطلبی که فرمودید مانند فرض انسداد است در حالی که بحث ما فرض انفتاح است اگر بحث انسداد را بپذیریم که دیگر اینقدر مقدمه چینی نمی خواهد. بلکه انسدادی می گوید در فرض عدم دسترسی به احکام می شود به ظنون تمسک کرد و شاه

فرد ظنون، خبر واحد است.

در فرض انسداد بسیاری از ظنون حجت می شوند حتی قیاس، استحسان، سد ذرائع و... نکته:

استاد: شما گزارشی که به عقل دادید دقیق نبوده بلکه عقل را فریب دادید شما به عقل گفته اید که باب علم و علمی منسد است

او هم حکم به حجیت کرده اما اگر فرض انفتاح را مطرح می کردید آیا عقل چنین حکمی می کرد؟!

2: کسانی که می خواهند خبر واحد را از طریق درک عقل ثابت کنند دلیشان اخص از مدعا است؛ مدعای طرفداران خبر واحد

این است که خبر واحد حجت است حتی بر عموم و اطلاقات قرآن مقدم می شود. اما کسانی که حجیت خبر واحد را طبق

درک عقل می دانند می گویند خبر واحد در جایی که عموم و اطلاق و... نداشته باشیم حجت است. پس دلیل اخص از مدعا می

شود.

استاد: راجع به اشکال اول، می توان اینگونه پاسخ داد؛ منظور شما مستشکل از انسداد چیست؟ اگر منظور شما از انسداد این

است که ما شریعتی داریم اما راهمان به این شریعت باز باز نیست در این صورت طبیعتاً باید برویم سراغ راههای که شارع

جعل کرده است (چه دلیل عقلی چه دلیل شرعی) در این صورت حق با شماست و پیش فرض ما انسداد می شود. اما انسدادی

که عدمش در بحث ما مفروض است این انسداد نیست؛ اصلاً در عمل به امارات هم می گوئیم چون راه بهتر از عمل به ظهورات

ندارم به ظواهر عمل می کنم؛ اصلاً در عمل به امارات این مقدار پیش از انسداد پذیرفته است. آقای مستشکل آن انسدادی که ما

عدمش را در بحث مفروض می دانیم انسدادی است که شخص بگوید راه علم و علمی به سوی ما بسته است و ما به همه ظنون

متمسک می شویم. در فرض انسداد مصطلح خبر واحد از باب مطلق ظن حجت می شود نه از باب ظن خاص.

و الحمد لله رب العالمین